

ضرورت بسیج زحمتکشان جهان جهت مقابله با اهداف امپریالیستی، جنگ و عملیات انتحاری

الف. آناهیتا

نیز دقیقا همانند جان باختگان عملیات تروریستی مادرید و جان باختگان افغانستان و عراق توسط آتش نیروهای اشغال گر و یا توسط عملیات انتحاری گروههای ارتجاعی، جزو طبقه زحمتکش کشور بوده اند.

افزایش عملیات انتحاری در عراق و اروپای غربی بار دیگر بر این حقیقت مسلم مهر تأیید زد که حاصل سیاستهای نظامی گری و بهانه مبارزه با تروریسم چیزی بیش از جنگ و عملیات تروریستی بیشتر نیست و نخواهد بود.

راز پنهانی نیست که گروههای ارتجاعی که امروز به معضلی برای سیستم سرمایه داری بدل گشته اند، همچون گروه طالبان و القاعده با کمک سازمان سیا تاسیس و سازماندهی شده اند و در مجموع گروه های تروریستی عمیقا ارتجاعی، یکی از هزاران معضل بازتاب سیستم نابرابر و غیر متعادل جهان مبتنی بر سرمایه بعنوان سیستمی وارونه می باشند و تا زمانی که این وضعیت به تعادل نرسد و دگرگون نشود، وجود خواهند داشت. درست به همین علت است که جهان سرمایه داری خود دست به ترور دولتی، اشغال کشورها و جنگ می زند و در راستای رسیدن به منافع طبقاتی خود از سازماندهی گروههای تروریستی نیز ابایی نداشته و در جایی دیگر دوباره بر طبق منافع طبقاتی و مصلحت اندیشی سیاسی خویش مجبور به از بین بردن آنان می شود.

نکته مهم این است که سیاست مبارزه با ترور در راستای تأمین منافع انحصارات نفتی و اسلحه سازی و در راستای تحمیل نظم نوین جهانی، از هنگام شروع جنگ با کشور فقیر افغانستان و ادامه جنگ توسط دولت بوش و تونی بلر با کشور عراق به تشدید عملیات تروریستی توسط گروههای ارتجاعی به ویژه در اروپای غربی راه برده است. از دیگر آثار آشکار این روند، تشدید اندیشه های نژادپرستی، رشد نیروهای راست افراطی، رشد فقر و بیکاری، تشدید محدودیت سیاست پناهنده پذیری، رونق قاچاق انسان جهت بهره کشی جنسی و تبلیغ سیاستهای

جنگ مولود اراده شرارت بار سرمایه داران درنده خو نیست گرچه بدون شک فقط به نفع آنان تمام شده و بر ثروت آنها می افزاید. با اینکه سالها از سرنگونی دولت طالبان و دولت صدام حسین می گذرد، مردم کشورهای افغانستان و عراق هنوز در وضعیت بسیار وحشتناک و بفرنجی به سر می برند. بیش از صد هزار انسان غیر نظامی در عراق کشته شده اند و فقط در شهر ویران شده فلوجه، هزاران نفر توسط آتش نیروهای اشغالگر جان خود را از دست داده اند. از ماه مه امسال تا کنون، بیشتر از ۱۲۰ عملیات انتحاری در بغداد رخ داده که فقط یکی از آنها منجر به کشته شدن ۲۵ تن و زخمی شدن ۴۷ تن شده است. بیشتر کسانی که در اثر آتش نیروهای اشغالگر و عملیات انتحاری جان خود را از دست داده اند، از طبقه محروم و زحمتکش عراق بوده اند.

از زمان شروع جنگ تا کنون، مافیای سکس و قاچاق انسان رشد فزاینده ای داشته و بسیاری از زنان محروم کشورهای اشغال شده به دلیل بحران اقتصادی ناچار به فرار از وطن خود شده و در بسیاری موارد به دام شبکه های مخوف بهره کشی جنسی افتاده و مجبور به تن فروشی شده اند.

انفجار اخیر سه بمب در شبکه قطار زیرزمینی، یک بمب در قطار و دیگری در اتوبوس مرکز شهر لندن و کشته شدن دست کم ۵۶ نفر و زخمی شدن بسیاری دیگر، بر خشم و نگرانی مردم جهان افزود. بر اساس گزارشهای مختلف، بسیاری از آسیب دیدگان را دانشجویان، کارگران امور ترابری و کارمندان مراکز عمومی تشکیل می داده اند. این بمبها در صبح روز پنجشنبه شانزدهم تیرماه، دقیقا زمانی که مردم برای رفتن به محل کار از وسایل نقلیه عمومی استفاده می کنند، منفجر شده است. محل انفجار یکی از بمبها در ایستگاه قطار بین خیابان لیورپول و ایستگاه الدگیت شرقی بوده که محله فقیر نشین شهر لندن محسوب می شود و بیشتر جمعیت آن را مهاجران تشکیل می دهند. بنابراین، کشته و مجروح شدگان این فاجعه وحشتناک

ارتجاعی و مغایر با ارزشهای انسانی و دستاوردهای مترقی اجتماعی مردم جهان، می باشد و به بارزترین شکل ممکن، چهره کره "جهان آزاد" و "اقتصاد بازار" را در برابر چشم جهانیان نمایان ساخته است.

عملیات تروریستی گروههای ارتجاعی به همراه سیاستهای نظامی گری و جنگ افروزانه امپریالیستی و بی شمار مغضلات آن از یک سو و اعمال سیاستهای نیولیبرالیستی، خصوصی سازی صنایع بخش دولتی، خصوصی سازی بیمه بازنشستگی و امکانات اجتماعی از طرف دولتهای سرمایه داری، بیش از هر چیز طبقه زحمتکش جهان را هدف قرار داده است.

تروریسم امری است که فقط ارتجاعی ترین، ضد انسانی ترین و نژاد پرست ترین نیروهای امپریالیستی از آن منفعت می برند و کاملا محکوم است. اما تجربه نشان داده است که دولتهای سرمایه داری از هر عملیات انتحاری و کورکورانه که باعث کشته شدن کارگران و زحمتکشان شده، در راستای منافع طبقاتی خود که در تضاد با منافع زحمتکشان جهان قرار دارد سوء استفاده کرده تا بتوانند بر بحران ساختاری اقتصادی خود فایق آمده و به طور سیستماتیک، هژمونی خود را بر جهان تثبیت کنند.

کشورهای مزبور در این مسیر از کشته شدن هزاران هزار انسان رنج دیده نیز هراسی ندارند. اگرچه این بهره گیری، فقط در تشدید نظامی گری امپریالیستی خلاصه نمی شود بلکه، تمام عرصه های زندگی اجتماعی مردم جهان را در بر می گیرد. وضعیت کنونی جهان دستاوردها و حقوق کارگران و زحمتکشان را بیش از پیش تهدید کرده، سیستم سیاسی کشورها را مورد تأثیر قرار داده و شرایط رشد سیاسی ایدئولوژیک ارتجاع را در فرهنگ جوامع فراهم می آورد. دولتهای سرمایه داری با کمک نهادهای خبری راکتی خود تلاش می کنند از تشدید عملیات تروریستی به عنوان دستاویزی علیه جنبشهای بدیل جهانی سازی، ضد جنگ و علیه مبارزه مردم زحمتکش جهان در راستای مخالفت با تصمیمهای نهادهای سرمایه داری مانند صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی استفاده کنند.

از آنجا که جنبش صلح جهانی و مبارزه برای حقوق بشر و دموکراسی و بر ضد اشغال و ترور، جدایی ناپذیرند، در شرایط حساس کنونی، جنبش صلح جهانی در برابر مسئولیت بسیار خطیری قرار گرفته

است و می بایست هوشیارانه گوش به زنگ باشد و تمامی توطئه های احتمالی دول سرمایه داری که می کوشند با سوو استفاده از عملیات تروریستی از آب گل آلود ماهی بگیرند را افشا سازد.

تشدید عملیات تروریستی شرایط را برای رشد هر چه بیشتر نیروهای بنیادگرای مذهبی از یک سو و عملکردهای نیروهای نژاد پرست که سعی دارند با بهره جویی از وضعیت فعلی نفرت و اختلاف بین ملیتهای مختلف را هر چه بیشتر دامن بزنند، آماده کرده است. عملیات تروریستی که منجر به کشته شدن اقوام و ملیتهای مختلف شده است، ریشه در ساختار اقتصادی اجتماعی سیستم مبتنی بر سرمایه دارد و فقط با اتحاد عمل ملل زحمتکش جهان می تواند بطور جدی از ریشه خشکانده و به تاریخ سپرده شود.

بدون شک بسیاری از نیروهای جوان به خصوص در کشورهای خاورمیانه به دلیل انزجار از وضعیت کنونی ممکن است ناگاهانه به سوی گروههای بنیادگرا و مذهبی کشانده شوند، این جاست که ضرورت رابطه تنگاتنگ جنبش سوسیالیستی جهان و حضور فعالان این جنبش در دانشگاه ها، کارخانه ها و دیگر مراکز اجتماعی جهت آگاهی دادن پیرامون ریشه های اصلی رشد معضل بنیادگرایی و گرایشهای ارتجاعی مذهبی، بسیار مبرم تر به نظر می رسد.

احزاب و سازمانهای سیاسی مترقی و طرفدار صلح باید در سازماندهی طبقه زحمتکش جهان در راستای برپایی اعتراضات و راهپیماییهای ضد جنگ، ضد عملیات تروریستی و علیه سیستمی که به تولید و بازتولید ترور می پردازد، به طور جدی اقدام ورزند. با تشکیل چنین کارزاری که قادر باشد کیفیت نیروهای مبارز طبقاتی را در درون خود ارتقا دهد و شرکت کارگران، زنان و دیگر اقشار زحمتکش جهان را تقویت کند می توان سدی بزرگ در مقابل ترور دولتی و ترور گروههای افراطی ایجاد کرد. مبارزه برای ایده آلهای بشر همچون دستیابی به دموکراسی و عدالت اجتماعی در پیوندی ارگانیک با مبارزه علیه جنگ و عملیات تروریستی از طرف گروه های ارتجاعی قرار دارد. بدین ترتیب، تنها با تلاش برای تغییر سیستم سرمایه داری حاکم بر جهان برای برپایی جهانی سوسیالیستی، می توان به ترور و تروریسم، جنگ و اعمال سیاستهای ضد انسانی پایان داد.